

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قانون امور حسبی تحریری

تدوین: سید مجتبی موسوی - شہرام عابدینی

انتشارات چتر دانش

فهرست

۶	قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹
۶	باب اول: در کلیات
۲۰	باب دوم: در قیمومت
۲۰	فصل اول: صلاحیت دادگاه قیمومت
۲۲	فصل دوم: ترتیب تعیین قیم
۲۸	فصل سوم: اختیارات و مسئولیت قیم
۳۴	فصل چهارم: عزل قیم
۳۷	باب سوم: امور راجع به امین
۴۴	باب چهارم: راجع به غائب مفقودالاثر
۴۴	فصل اول: در صلاحیت دادگاه
۴۵	فصل دوم: در تعیین امین
۴۷	فصل سوم: دادن اموال به طور موقت به تصرف ورثه
۵۲	فصل چهارم: در حکم موت فرضی
۵۶	باب پنجم: در امور راجع به ترکه
۵۶	فصل اول: در صلاحیت
۵۷	فصل دوم: در مهر و موم
۶۶	فصل سوم: در برداشتن مهر و موم
۷۰	فصل چهارم: در تحریر ترکه
۷۵	فصل پنجم: راجع به دیون متوفی
۷۵	مبحث اول: استیفاء دین از ترکه
۸۰	مبحث دوم: قبول ترکه
۸۳	مبحث سوم: رد ترکه
۸۴	مبحث چهارم: قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه
۸۶	مبحث پنجم: تصفیه
۹۰	فصل ششم: راجع به وصیت
۹۷	فصل هفتم: در تقسیم
۱۰۵	فصل هشتم: در ترکه متوفای بلاوارث
۱۰۸	فصل نهم: راجع به ترکه اتباع خارجه
۱۱۵	فصل دهم: در تصدیق انحصار وراثت
۱۲۱	باب هفتم: در هزینه

سخن مؤلف

بسمه تعالی و له الحمد

در عصر کنونی درصد قابل توجهی از مراجعات به دادگاه‌ها و دادرها مربوط به موضوعات امور حسبی است. با این وصف که مباحث مطروحه در این قانون علی‌رغم اینکه در جامعه امروزی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است از توجه سیستم قانون‌گذاری در امر بروزرسانی و آموزشی در پرداختن به تعلیم مباحث آن به دور مانده است. باید دانست که هر یک از مواد قانون پیش روی شرح و تفسیر خاص خود را می‌طلبند که در این مجموعه مجال آن نیست و انشاء الله تعالی طرح و برنامه‌ریزی آن توسط مؤلفان این مجموعه برای ارائه اثری با عنوان شرحی بر محشای قانون امور حسبی در دست اقدام است.

در مجموعه حاضر کوشش شده با ذکر مواد مرتبط، آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه و واژگان دشوار، ذیل هریک از مواد این قانون به شناخت بیشتر و ارتباط مواد آن با سایر مواد قانونی کمک کرد.

موسوی، عابدینی

زمستان ۹۷

قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲ باب اول: در کلیات

ماده ۱ امور حسبی اموری است که دادگاهها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بوقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها باشد.

واژگان دشوار: حسبه: در لغت به معنای کفایت و تدبیر و اصطلاح امور حسبی اموری است خیرخواهانه که شارع بر آنها تأکید و ترغیب نموده است تا تحقق یابند و عدم تصدی آنها سبب اختلال در نظام و وظایف اسلامی می شود.



ماده ۲ رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می باشد مگر آنکه خلاف آن مقرر شده باشد.

مواد مرتبط: ماده ۱ ق.آ.د.م، ماده ۲ ق.ا.ح و بندهای ۱۲، ۱۳ و ۱۵ ماده ۴ و ماده ۸ ق.ح.خ



ماده ۳ رسیدگی به امور حسبی در دادگاههای حقوقی به عمل می آید.

مواد مرتبط: بند ت ماده ۹ ق.ش.ح.ا و ماده ۴ ق.ح.خ

واژگان دشوار: دادگاههای حقوقی: الف- رسیدگی به امور رشد، حجر و رفع آن، ولایت قهری، قیمومت امور مربوط به ناظر، امین اموال محجوران، وصایت در امور مربوط به آنها و همچنین، امور راجع بر غایب مفقودالاثر در صلاحیت دادگاه خانواده است.

ب- مهر و موم ترکه، رفع آن، تحریر ترکه و صدور گواهی حصر و وراثت در صلاحیت شورای حل اختلاف است.



ماده ۴ در موضوعات حسبی هر گاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کار در آنجا مطرح است باید انجام شود دادگاه مزبور می‌تواند انجام آن امر را به دادگاهی که کار در حوزه آن باید بشود ارجاع نماید و در این صورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه را به دادگاه ارجاع‌کننده امر می‌فرستد.

مواد مرتبط: مواد ۲۹۰ و ۲۹۴ ق.آ.د.م



ماده ۵ مقررات راجع به نیابت قضایی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود.



ماده ۶ در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به موضوعی صالح باشند دادگاهی که بدو^ا به آن رجوع شده است رسیدگی می‌نماید.

مواد مرتبط: ماده ۱۲ ق.آ.د.م



ماده ۷ در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاهها رفع اختلاف به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.



ماده ۸ دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند:

- ۱- اموری که در آنها ذینفع است.
- ۲- امور راجع به زوجه خود (زوجه‌ای که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است).
- ۳- امور اقرباء نسبی و سببی خود در درجه یک و دو از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم.
- ۴- امور راجع به اشخاصی که سمت ولایت یا قیمومت یا نمایندگی نسبت به آنها دارد.



ماده ۹ در موارد خودداری دادرس هر گاه در آن حوزه دادرس صلاحیتدار برای رسیدگی نباشد رسیدگی به دادگاه نزدیکتر ارجاع می‌شود.



ماده ۱۰ در موارد ماده ۷ دادرس باید از رسیدگی خودداری نماید ولی اشخاص ذینفع نمی‌توانند به استناد این ماده دادرس را رد نمایند.



ماده ۱۱ عدم صلاحیت محلی دادگاه یا خودداری دادرس از مداخله در خصوص امری رافع آثار قانونی اقدام یا تصمیمی که به عمل آمده است نخواهد بود.
مواد مرتبط: ماده ۳۵۲ ق.آ.د.م



ماده ۱۲ روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس می‌تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تأخیر اندازد مگر اینکه امر از امور فوری باشد.



ماده ۱۳ درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا زبانی باشد درخواست زبانی در صورت مجلس نوشته شده و به امضاء درخواست‌کننده می‌رسد.



ماده ۱۴ در امور حسبی دادرس باید هر گونه بازجویی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد هر چند درخواستی از دادرس نسبت به آن اقدام نشده باشد و در تمام مواقع رسیدگی می‌تواند دلائلی که مورد استناد واقع می‌شود قبول نماید.
مواد مرتبط: ماده ۱۱۹ ق.آ.د.م



ماده ۱۵ اشخاص ذینفع می‌توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود.

تبصره - نماینده اعم از وکلاء دادگستری یا غیر آنها است.

واژگان دشوار: نماینده دادستان: نماینده دادستان برای رسیدگی به امور حسبی در دادگاه ممکن است دارای سمت قضایی بوده یا فاقد چنین سمتی باشد، بنابراین حضور کارمندان اداری به‌عنوان نماینده دادستان منعی ندارد.



ماده ۱۶ حساب مواعد به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده و اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد روز بعد از تعطیل خواهد بود.



ماده ۱۷ در مهلت‌هایی که مسافت رعایت می‌شود ترتیب آن مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مسافت است.

واژگان دشوار: مسافت: در ق.آ.د. مصوب ۱۳۱۸ مهلت تعیین شده بر مبنای مسافت بر اساس ماده ۶۱۵ آن قانون رعایت می‌شده است ولی با تصویب ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹ بنابراین این ماده در حال حاضر، اثر حقوقی ندارد



ماده ۱۸ اشخاص ذینفع می‌توانند پرونده‌های امور حسبی را ملاحظه نموده و از محتویات آن رونوشت گواهی شده یا گواهی نشده از دفتر دادگاه بگیرند.

مواد مرتبط: ماده ۲۲ ق.ا.م.



ماده ۱۹ هر گاه ضمن رسیدگی به امور حسبی دعوایی از طرف اشخاص ذینفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد دادرس در صورت درخواست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات دادرسی فوری صادر می‌نماید.

مواد مرتبط: ماده ۱۹ ق.آ.د.م



ماده ۲۰ اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به مواردی است که در قانون تصریح شده است.

مواد مرتبط: ماده ۱۶ قانون اصلاح قسمتی از قانون تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۱۵، مواد ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۹ ق.م و مواد ۵۹، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۸۸، ۸۹، ۹۷، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۵۸، ۳۶۷ و ۳۶۸ ق.ا.ح



ماده ۲۱ در مواردی که دادستان مکلف به اقدامی می‌باشد اقدام به عهده دادرسی دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه به عمل می‌آید.



ماده ۲۲ دادرس پس از تمام شد بازجویی و رسیدگی منتهی در ظرف دو روز تصمیم خود را اعلام می‌نماید.

مواد مرتبط: ماده ۲۹۵ ق.آ.د.م



ماده ۲۳ تصمیم دادرس باید موجه و مدلل باشد.



ماده ۲۴ در مواردی که تصمیمات دادگاه باید ابلاغ شود ترتیب ابلاغ مانند مقررات آیین دادرسی مدنی است.

مواد مرتبط: مواد ۲۳۰، ۳۰۰ و ۳۰۲ ق.آ.د.م و ماده ۹ ق.ح.خ



ماده ۲۵

در صورتی که ابلاغ در کشور بیگانه باید به عمل آید دادرس می‌تواند ترتیب سهل‌تری برای ابلاغ در نظر گرفته و دستور دهد.



ماده ۲۶

هر گاه شخصی که تصمیم دادگاه باید به او ابلاغ شود در دادگاه حاضر باشد تصمیم دادگاه به او اعلام و این عمل ابلاغ محسوب است و رونوشت نیز به او داده می‌شود.



ماده ۲۷

تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.

مواد مرتبط: بند ۲ قسمت «الف» ماده ۳۶۷ ق.آ.د.م، مواد ۱، ۳۳۰، ۳۳۱ و ماده ۲۷ ق.ا.ح
رأی وحدت رویه مرتبط: رأی شماره ۸۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور
واژگان دشوار: قابل پژوهش: قابل تجدیدنظر



ماده ۲۸

مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی دادگاهی است که مطابق آیین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهشی به احکام دادگاه صادرکننده تصمیم در مورد دعاوی دارد.

مواد مرتبط: ماده ۳۳۴ ق.آ.د.م



ماده ۳۹

مدت پژوهش همان است که برای پژوهش احکام در آیین دادرسی مدنی مقرر شده.

مواد مرتبط: ماده ۳۳۶ ق.آ.د.م.

**ماده ۳۰**

در صورتی که پژوهش خواه اثبات کند که پژوهش نخواستن او در موعد به واسطه عذر موجه بوده و در ظرف ده روز از تاریخ رفع عذر پژوهش بخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهش است می تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید مشروط به اینکه از تاریخ انقضاء مدت پژوهش بیش از شش ماه نگذشته باشد.

مواد مرتبط: ماده ۳۴۰ ق.آ.د.م.

**ماده ۳۱**

مهلت جدید نباید بیش از موعد پژوهشی باشد و درخواست تجدید مهلت بیش از یک

دفعه پذیرفته نیست.

**ماده ۳۲**

شکایت پژوهشی به دفتر دادگاهی که صادرکننده تصمیم مورد شکایت بوده داده می شود و دفتر نامبرده باید فوراً شکایت نامه را ثبت و رسید آن را به شاکی داده و منتهی در ظرف دو روز

شکایت‌نامه پژوهشی را با برگه‌های مربوط به آن دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است بفرستد.



.....

.....

.....

ماده ۳۳ شکایت پژوهشی ممکن است شفاهی باشد در این صورت شکایت نامبرده در صورت‌مجلس دادگاه درج و به امضاء شاکی و دادرس می‌رسد و این صورت‌مجلس با برگه‌های مربوطه به دادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی فرستاده خواهد شد.



.....

.....

.....

ماده ۳۴ شکایت پژوهشی ممکن است مبنی بر جهات یا ادله جدید باشد.



.....

.....

.....

ماده ۳۵ شکایت پژوهشی موجب تعویق اجراء تصمیم مورد شکایت نمی‌شود مگر اینکه دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند قرار تأخیر اجرای آن را بدهد.
مواد مرتبط: ماده ۳۴۷ ق.آ.د.م و مواد ۶۴، ۶۷ و ۷۰ ق.ا.ج



.....

.....

.....

ماده ۳۶ تصمیم دادگاه استان به اتفاق یا به اکثریت آراء معلوم می‌شود.



ماده ۳۷ دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌نماید هر گونه رسیدگی و تحقیقی که مفید و لازم بداند بدون احتیاج به درخواست به عمل می‌آورد و پس از رسیدگی اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح بداند آن را تأیید و چنانچه نقصی در تصمیم نامبرده مشاهده کند موافق نظر خود آن را تکمیل می‌نماید و هر گاه تصمیم مورد شکایت را صحیح نداند آن را الغاء نموده و تصمیم مقتضی را اعلام می‌نماید.

مواد مرتبط: ماده ۳۵۸ ق.آ.د.م



ماده ۳۸ هرگاه در تصمیم دادگاه اشتباهی در حساب یا سهو قلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد مثل از قلم افتادن نام یکی از اشخاص ذینفع یا زیادشدن نامی مادام که آن تصمیم به وسیله شکایت به دادگاه بالاتر از دادگاه خارج نشده باشد دادگاه صادرکننده تصمیم مستقلاً یا به درخواست یکی از اشخاص ذینفع آن را تصحیح می‌نماید و این تصحیح زیر تصمیم دادگاه یا برگ دیگری که پیوست آن می‌شود نوشته خواهد شد. دادن رونوشت از تصمیم دادگاه بدون پیوست نامبرده ممنوع است. تصحیح به اشخاصی که تصمیم دادگاه باید ابلاغ شود ابلاغ می‌شود و در مواردی که تصمیم دادگاه قابل پژوهش است تصحیح آن هم در مدت مقرر برای پژوهش قابل پژوهش خواهد بود.

مواد مرتبط: ماده ۳۰۹ و ۳۶۰ ق.آ.د.م



ماده ۳۹ هر گاه تصمیم دادگاه از اعتبار افتاده باشد تصحیح هم از اعتبار خواهد افتاد.